Archive of SID

نشریـه علمـی حسابداری مدیریت
دوره ۱۵ / شماره ۴ (پیاپی ۵۵) / زمستان ۱۴۰۱
صفحه ۱۱۲ تا ۱۳۳

ارائه الگوی هژمونیک ایجاد تعارض منافعِ ذینفعان در شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی: ویژگی‌های نظریه کادیلوئیسم‌ها در حاکمیت شرکتی

محسن شریفی فرد[1]
احمد کعب عمیر*[2]
علی محمودی[3]
فاطمه مهربانی[4]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

چکیده

این پژوهش با بسط نظریه کادیلوئیسم، به دنبال ارائه الگوی هژمونیک ایجاد تعارض منافعِ ذینفعان در شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی می باشد. در این پژوهش که از نظر روش شناسی توسعه‌ای و ترکیبی محسوب می‌شود، تلاش گردید تا با اتکاء به فرآیندهای تحلیل فراترکیب و دلفی در بخش کیفی پژوهش، اقدام به شناسایی مولفه‌های ساختارِ هژمونیک شرکت‌های با مالکیت خانوادگی از نظر ایجاد تعارض منافعِ با ذینفعان شود. سپس در بخش کمی از تحلیل رتبه بندی تفسیری و میک مک جهتِ شناسایی اثرگذارترین مولفه ی ساختارِ هژمونیک شرکت‌های با مالکیت خانوادگی از نظر ایجاد تعارض منافعِ با ذینفعان استفاده گردد. نتایج پژوهش در بخش کیفی پس از غربالگری محتواییِ ۱۰ پژوهش تأیید شده، از وجودِ ۷ مولفه‌ی ساختارِ هژمونیک شرکت‌های با مالکیت خانوادگی از نظر ایجاد تعارض منافعِ با ذینفعان حکایت داشت. این مولفه‌ها از طریق تحلیل دلفی مورد ارزیابی قرار گرفتند و نتایج این بخش نشان داد هر ۷ مولفه مورد تایی قرار گرفتند. نتایج در بخش کمی پژوهش نشان داد، از مجموع تاثیرگذاری کلی مبتنی بر مقیاسه زوجی بین مولفه‌های پژوهش مشخص شد، درصدِ تاثیرگذاری مولفه‌ی عدم‌استقلال هیئت‌مدیره نسبت به بقیه مولفه‌های ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی بیشتر است، که به معنای آن است که جهتِ جاری سازی رویکردِ ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی در سطح شرکت‌های بازار سرمایه، افشاء اطلاعات مربوط به کارکردهای هیئت‌مدیره نسبت به سایر مولفه از اثربخشی بالاتری برخوردار است.

کلید واژه: ساختارِ هژمونیک قدرت؛ مالکیت خانوادگی؛ نظریه کادیلوئیسم‌ها در حاکمیت شرکتی

[1] دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران M_sharifi_fard@yahoo.com
[2] استادیار، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران Ahmad-kaabomeir@iauahvaz.ac.ir
[3] استادیار، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران ali-mahmoodi@iauahvaz.ac.ir
[4] استادیار، گروه اقتصاد، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران fateme-mehrabani@iauahvaz.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

کادیلوئیسم‌ها در ادبیات نظام سیاسی، به نوعی از مالکیت فردگرا و خانوادگی اشاره دارد که در آن ساختار نظام سیاسی بر پایه‌ی انتخاب نزدیک ترین افراد در پست‌های مدیریتی صورت می‌پذیرد و زمینه ساز نوعی از مالکیت‌های تک بُعدی در نظام اداری جامعه را در بر می‌گیرد (زیمِرمن، ۲۰۲۰). وام گرفتن از این مفهوم و بسط آن به حوزه حاکمیت شرکتی از اوایل قرن جاری با افزایش مالکیت‌های خانوادگی شرکت‌ها در انتخاب اعضای هیئت‌مدیره و مدیران عامل شرکت‌ها به طور جدی‌تری ظهور یافت که نیازمندِ شکل گیری نظارت‌های عمیق‌تر در ساختار این شرکت‌ها می‌باشد (ماندال و همکاران، ۲۰۲۲). در واقع مالکیت خانوادگی که امروزه به شکل گسترده ای در بازارهایی با ماهیت نمایندگی همچون بازار سرمایه مشاهده می‌شود، همواره بر این پیش‌فرض استوار بوده است که اولویت‌بخشیدن به منافع بنیان‌گذار شرکت باعث ایجادِ تعارض منافع در ذینفعان به ویژه سهامداران این شرکت‌ها شده است و کارکردِ آن باعث گردیده تا هژمونی قدرت مانع از تقارن و برابری اطلاعات در تصمیم‌گیری‌های شرکت‌ها گردد (شو و فریئل، ۲۰۲۰). این پژوهش به دنبال شناسایی و ارزیابی ابعادِ هژمونیک ایجاد کننده‌ی تعارض منافع در شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی است تا براساس آن مشخص نماید، چه کارکردهایی از ساختار حاکمیتِ شرکتی در شرکت‌های با مالکیت خانوادگی می‌تواند به تقویتِ تعارض منافع بین شرکت با ذینفعان منجر شود. واژه هژمونی برای اولین بار توسط محقق و فعال ایتالیایی، آنتونیوگرامشی (۱۹۷۵) مطرح گردید. این مفهوم اشاره به سلطه و غلبه حاصل از ایدئولوژی حاکمیتی دارد که نشان دهنده‌ی توسعه‌ی رویکردهای قدرت‌طلبانه‌ی گروهی از افراد رأس یک شرکت دارد که دارای منافع بیشتر نسبت به سایر افراد بانفوذ کمتر می‌باشند که مسیر انتظارات و خواسته‌های آنان را معین می‌نمایند (نوابی‌مقدم و همکاران، ۱۴۰۰). این رویکرد در ساختار شرکت‌های بازار سرمایه همچون شرکت‌های بورسی، در سطح تصمیم‌گیری‌های حاکمیتی برای پیشبرد اهداف یک شرکت در بازار رقابتی می‌تواند بسط داده شود (طاهری و امینی، ۱۳۹۹). جاییکه وجود رویکردهای گروهی از افراد به عنوان مالکان، مسیر حرکت آتی شرکت را مشخص می‌نماید و این رویکرد به تدریج تبدیل به فرهنگی از عملکردهای آنان در پاسخگویی به نیازهای اطلاعاتی و منفعت سهامداران خواهد شد که به عمیق‌تر شدن شکاف هزینه‌های نمایندگی منجر می‌گردد و باعثِ ایجاد تعارض در منافع سهامداران می‌شود (لی، ۲۰۲۲). لیتینن و همکاران (۱۹۹۳) به عنوان یکی از محققان این عرصه، بر اهمیت ذینفعان تاکید داشته و اظهار می کند که برآوردن انتظارات ذینفعان، یک بخش جدایی‌ناپذیر از ساختارهای حاکمیتی است، لذا وجودِ کارکردهای اثربخش در ساختارهای حاکمیتی را مبنایی برای تعارض منافع ذینفعان بیرونی با شرکت عنوان نمودند. نکته قابل‌توجه این است، تحلیل ذینفعان دامنه‌ای از متدولوژی‌های مختلف برای تحلیل علائق و منافع ذینفعان را در برگرفته و تعیین می کند کدام منافع باید در زمان تصمیم‌گیری در اولویت قرار گیرد (تاپانیناهو و کوجالا، ۲۰۱۹). اگرچه در پژوهش‌های گذشته رویکردهای مختلفی برای تحلیل ذینفعان توسعه داده شده است، اما بطور کلی، به دلیل تبعیض ناشی از افشای اطلاعات در درون ساختارهای عملکرد مالی شرکت‌ها، غالباً منافع ذینفعان دچار تبعیض تصمیم‌گیری یا فرصت‌طلبی‌هایی می‌گردد که در عین اینکه باعثِ تحمیل ضرر و زیان به سهامداران و سرمایه‌گذاران می‌گردد، در عین حال از افزایش جذابیت‌های بازار سرمایه می‌تواند بکاهد (عرب‌کیاسری و عبدی، ۱۳۹۴). لذا در بیان ضرورت انجام این پژوهش در وهله‌ی اول می‌بایست به عدم‌پشتوانه‌ی نظری در رابطه با الگوی هژمونیک ایجاد تعارض منافعِ ذینفعان در شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی اشاره نمود. چراکه مرور ادبیات نظری در این عرصه نشان می‌دهد، این پژوهش برای اولین بار در حوزه‌ی واکاوی نوع مالکیت خانوادگی انجام می‌شود که به مفهوم تناقض ساختار هژمونیک در ایجادِ تعارض منافع بین شرکت با ذینفعان

www.SID.ir

Archive of SID

می‌پردازد و توسعه‌ی آن از طریق وام گرفتن نظری از تئوری‌هایی همچون حاکمیت کادیلو می‌تواند به شفافیت و افزایش اثربخشی نظارت‌های پویا بر کارکردهای شرکت‌ها خانوادگی کمک نماید. از طرف دیگر، اهمیت این پژوهش از منظر کاربردی می‌تواند مبنایی برای ضرورت انجام این پژوهش تلقی شود. زیرا کنترل این دست از تعارضاتِ بین شرکت با ذینفعان طبق لایحه‌ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷ و قانون تجارت ۱۳۱۱ باهدفِ کارابودن شرکت و حفظ تعادل مورد تاکید قرار گرفته است. از طرف دیگر براساس ماده ۲۶۷ و ۲۷۷ لایحه قانون تجارت، حفاظت از منافع سهامداران به عنوان یک اولویت می‌بایست در دستور کار شرکت‌ها قرار گیرد و سهولت طرح دعوی توسط اقلیت را برای حفاظت از حقوق مادی و معنوی سرمایه‌گذاران مجاز تلقی نموده است (صادقیان‌ندوشن و باقری، ۱۳۹۵). براین اساس با عنایت به اهمیت و ضرورت مطرح شده، این پژوهش به دنبال ارائه الگوی هژمونیک ایجاد تعارض منافعِ ذینفعان در شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی با استفاده از نظریه کادیلو در حاکمیت شرکتی می‌باشد.

مبانی نظری

مالکیت خانوادگی با الهام از نظریه کادیلوئیسم‌ها

کادیلوئیسم‌ها نوعی احزاب سیاسی و حاکمیتی در نظام‌های حکومتی کشورهایی با ساختار تک حزبی تلقی می‌شوند که معمولاً ساختاری مبتنی بر تشکیل نوعی از حاکمیت‌های وفاداری به فرد قدرتمند دارند. کادیلو که کلمه‌ی اسپانیایی به معنای «مرد قدرتمند» است معمولاً در تشکیل ساختار نظام مدیریتی خود تلاش می‌نماید تا اُمرایی به عضویت در آن در بیایند که در مسیر اندیشه‌های او گام بر دارند و معمولاً در بلندمدت می‌تواند باعث ایجاد تبعیض و فساد در نظام اداری گردد (دِرلئوگئوین و ایرلی، ۲۰۱۰). ساختار این نوع از حاکمیت‌ها اگرچه به دلیل ویژگی‌های قدرت‌طلبی صِرف و سرکوبی نظرات مخالفان به ساختارِ مدیریتی شرکت‌ها ممکن است امکان پذیر نباشد، اما استفاده از تشبیه مضامین شاید بتواند به افزایش مشابهت بین این نوع از نظام سیاسی با حاکمیت شرکتی کمک نماید. شاید نزدیکترین مفهوم با نظریه کادیلوئیسم‌ها نوع مالکیت خانوادگی باشد که ارکان قدرت معمولاً از نزدیکان بنیانگذار یا تأسیس کننده‌ی شرکت انتخاب می‌شوند و تلاش می‌نمایند تا منافع فرد دارای قدرت را برآورده نمایند. شرکت‌های خانوادگی را از جنبه‌های مختلف می‌توان تعریف نمود. پاسکوچی و همکاران (۲۰۲۱) در تعریف کلاسیک مالکیت خانوادگی به ابعاد زیر در شکل (۱) اشاره نمود.

شکل (۱) رویکردهای کلاسیک در تعریف مالکیت خانوادگی



در واقع عضویت در هیأت مدیره و درصد مالکیت سهام در بیشتر تعریف‌هایی که از شرکت‌های خانوادگی ارائه شده همچون ژئو (۲۰۱۴)؛ سیتی‌وان و همکاران (۲۰۱۶) و بیک و همکاران (۲۰۱۶) بیان شده است. درمورد درصد مالکیت سهام، نظرات مختلفی همواره ارائه شده است. به عنوان مثال در تعریف‌های ارائه شده، مالکیت حداقل پنج درصد و حداکثر، بیش از پنجاه درصد سهم را از سوی اعضای خانواده، به عنوان شرط ذکر شده اند. در سال ۲۰۱۰ مرکز تحلیلگران و انتشاردهندگان داده‌های بورس آلمان، شاخص خانوادگی دکس پلاس را برای شرکت‌های خانوادگی ارائه نمود که طبق آن شرکتی به عنوان خانوادگی معرفی می‌شود که یکی از دو شرط زیر را دارا باشد:

www.SID.ir

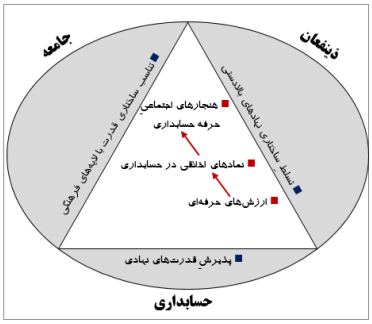
Archive of SID

خانواده مؤسس حداقل ۲۵ درصد سهام را در اختیار داشته باشد، و یا یکی از اعضای خانواده در هیأت‌مدیره عضویت داشته و حداقل ۵ درصد از سهام عادی را در اختیار داشته باشد. همسو با این تغییرات، مطابق با قوانین و مقررات ایران، طبق بند ۸ استاندارد شماره ۲۰ حسابداری ایران، در تعریف مالکیت خانوادگی به این موضوع می‌پردازد که «اعمال نفوذ قابل‌ملاحضه، اساساً بدون دارابودن قدرت رأی کافی، بعید است و به همین دلیل، داشتن میزان خاصی از حق رأی در واحد سرمایه‌پذیر، به عنوان فرض نفوذ قابل ملاحضه تلقی می‌شود. برای دستیابی به میزان معقولی از یکنواختی در عمل، فرض بر این است در غیاب شواهد نقض‌کننده، در مواردی که واحد سرمایه‌گذار (به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق واحدهای تجاری فرعی) حداقل ۲۰ درصد از قدرت رأی در واحد سرمایه‌پذیر را داشته باشد، دارای نفوذ قابل‌ملاحضه در واحد سرمایه‌پذیر است. برعکس در موارد که واحد سرمایه گذار کمتر از ۲۰ درصد قدرت رأی در واحد سرمایه پذیر را داشته باشد، چنین فرض می‌شود که سرمایه گذار نفوذ قابل ملاحضه ندارد، مگر این چنین نفوذی را بتوان به روشی اثبات نمود (قادرزاده و علوی، ۱۴۰۰). اما در کنار نقش اثرگذار مالکیت خانوادگی، بسیاری از محققان همچون آستراچان و همکاران (۲۰۲۱)؛ جونگ و همکاران (۲۰۱۸) و چاربل و همکاران (۲۰۱۳) به واکاوی نقش مالکیت خانوادگی در بی‌ثباتی بازار و برهم‌زدن تعادل منافع در بین ذینفعان اشاره دارند و رشد این نوع از شرکت‌ها را به دلیل منفعت‌طلبی ساختاری، عاملی برای کاهش رعایت حقوق ذینفعان در بازار سرمایه تلقی می‌نمایند.

الگوی هژمونیک ایجاد تعارض منافعِ ذینفعان

اهمیتِ جایگاه هژمونی در نظام‌های حاکمیت شرکتی امروز به حدی است که محققانی همانندِ اُگبر (۲۰۰۱) و تریبینگ و گولدِستینی (۱۹۹۰) این عُنصر را در ردیفِ مولّدِ قدرت نرم گنجانده است و تهدیدهای قدرت‌طلبانه‌ی در نظام‌های اجتماعی همچون حاکمیت شرکتی صحه گذاشته اند. واژه هژمونی در معنایِ عام به تسلط و تک قطبی‌شدنِ قدرت در سیاست اشاره دارد، و بسطِ این مفهوم در کارکردهای حاکمیت شرکتی را می‌توان معادلِ مفهومِ سلطه‌ی اجبارآمیز و یا حاکمیتِ بلامنازعه تشریح نمود، حوزه‌ایی که با اِعمالِ سلطه در راستای منافع فردی و گروهی می‌تواند باعث ایجادِ تبعیض در منافع اکثریت در برابر اقلیت‌های دارای قدرت شود. نظریه ی هژمونی که توسط آنتونیوگرامشی (۱۹۶۶[d]) مطرح شد، به تبعیض و نابرابری از شکل‌گیری حاکمیتی فردگرا در ساختارهای نظام اداری در کشورها حکایت دارد و آن را بر خلاف اخلاق اجتماعی در رعایت حقوق ذینفعان تعریف می‌کند. والاس (۲۰۰۳) این ارزش‌ها را نوعی ایدئولوژی متمرکز و اشاعه‌ی آن به بسترهای اجتماعی تعریف می‌کند و برهم‌خوردن تعادل در بین افراد جامعه از نظر حقوق و منافع را پیامدِ منفی تفکرات هژمونی تلقی می‌نماید. اگرچه غالب نظریه‌های هژمونی بر تسلط و تک‌بعدی قدرت اشاره داشتند، اما بیگونی (۲۰۲۱) در بسطِ این مفهوم با استدلال، مشروعیت هژمونی در حسابداری، مُثلثِ هژمونی فرهنگی را ارائه داد.

شکل (۲) مُثلثِ هژمونی فرهنگی در توسعه‌ی ارزش‌های حسابداری



www.SID.ir

Archive of SID

همانطور که این مدل نشان می‌دهد، در واقع رفت و برگشتِ تناسبِ قدرت با لایه‌های فرهنگی در ساختارهای اجتماعی، زمینه‌ی پذیرشِ قدرتِ نهادی را در حسابداری ایجاد می‌نماید که براساس آن ارزش‌های حرفه‌ای زمینه‌سازِ شکل‌گیری اخلاق‌گرایی می‌شود. براساسِ یک سیکل سیستماتیک همچنین، ارزش‌های حرفه‌ای به عنوانِ بستر مدلِ هژمونیِ فرهنگی، زمینه‌ی ایجادِ نمادهای اخلاقی و در نتیجه هنجارهای اجتماعیِ حرفه حسابداری را مهیا می‌کند تا اشتراک منافع اجتماعیِ ذینفعان با حرفه حسابداری بیش از پیش بتواند به ارزش‌های اجتماعی جامعه شکل منسجم‌تری را بدهد. براساس مبانی نظری مطرح شده و باتوجه به ماهیت روش شناسی ترکیبی این پژوهش، سوال‌های مورد نظر را می‌توان به ترتیب زیر ارائه داد:

- سوال اول پژوهش) مولفه‌های هژمونیک ایجاد تعارض منافعِ ذینفعان کدامند؟
- سوال دوم پژوهش) تأثیرگذارترین مولفه/های هژمونیک ایجاد تعارض منافعِ ذینفعان در شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی کدامند؟

پیشینه پژوهش

ماندال و همکاران (۲۰۲۲) پژوهشی تحت عنوان «مالکیت خانوادگی؛ مدیریت فامیلی و ساختارهای شرکت های چندملیتی: شواهدی بر هند» انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد، مالکیت خانواده با مقیاس و دامنه چندملیتیِ ساختار شرکت ها در هند ارتباط منفی دارد، اما به طور مثبت مدیریت فامیلی که شامل انتخاب اعضای هیئت مدیره نزدیک به بنیانگذار شرکت می باشد بر ساختارِ شرکت های چندملیتی اثرگذار است. لیو و تِسای (۲۰۲۱) پژوهشی تحت عنوان «قدرت ساختاری؛ هژمونی و سرمایه داری دولتی: محدودیت‌های قدرت اقتصادی چین در جهان» انجام دادند. این پژوهش که به صورت مطالعه‌ی موردی در ساختارِ اقتصادی شرکت‌های فعال در کشور چین صورت پذیرفت از نظر نتیجه نشان داد، نیازمندی‌های ایجاد توازن در قدرت؛ هژمونی و نظام سرمایه داری در سطح شرکت‌ها شامل؛ (۱) رقابت پذیری بخش خصوصی با بخش دولتی شرکت‌ها در کشور چین؛ (۲) کاهش محدودیت‌های تأمین مالی شرکت‌های چینی برای پیشروی در عرصه‌های فراملیتی و جهانی و (۳) جذب سرمایه گذاری‌های خارجی از کشورها و شرکت‌های بین المللی برای فراگیرنمودن اقتصاد چین. هاپول (۲۰۲۱) پژوهشی تحت عنوان «روایت‌های استراتژیک در تجارت جهانی: هژمونی ساختاری جهتِ پویایی تجارت آزاد در شرکت‌های آمریکایی» انجام داد. این پژوهش از نظر روش شناسی موردی بود و نتایج آن با بررسی بیش از ۲۰۰ مورد از اسنادِ آیین‌نامه‌ایی مربوط به تجارتِ جهانی شرکت‌های آمریکایی نشان می‌دهد، فقدان یکپارچگی نهادهای نظارتی و گستردگی فعالیت شرکت‌های بخش خصوصی در ایالات متحده، یکی از مهمترین دلایل ضعفِ هژمونی ساختاری در تجارت آزاد پس از ورشکستگی معروف شرکت‌ها در سال ۲۰۰۵ بوده است. در واقع نیاز به تدوین آیین‌نامه‌ها در حمایت از تجارت آزاد و جذب نقدینگی در شرکت‌ها می‌تواند به افزایش تداوم هژمونی این شرکت‌ها در بازار رقابت آزاد در سطح جهان کمک نماید. بِلیک و میکلوسی (۲۰۲۰) پژوهشی تحت عنوان جهانی شدن و تک‌بُعدی‌گرایی تحت وجود نظریه ثبات ساختاری هژمونیک انجام دادند. این پژوهش که به صورت مطالعه موردی بود در نهایت وجود اخلاق‌گرایی در ساختارها را نقطه مقابل هژمونی تلقی نمود و افزایش اهمیت به این موضوع را عاملی برای پیشبرد اهداف رقابتی سازمان عنوان کرد. حسنی و صالحی (۱۳۹۹) پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی تحلیلی آثار روابط سیاسی مالکیت-مدیریت و نظارت حسابرسان مبتنی بر انگیزۀ شهرت در کاهش هزینه‌های نمایندگی ناشی از تضاد منافع» انجام دادند. طبق یافته‌ها شواهد نشان دادند روابط سیاسی تأثیر معنی‌دار مثبتی بر هزینه‌های نمایندگی دارد؛ اما شهرت و رتبۀ کیفی حسابرس تأثیر معنی‌دار منفی بر هزینه‌های نمایندگی دارد. تعامل روابط سیاسی و شهرت حسابرس نیز بر هزینه‌های نمایندگی تأثیر معنی‌دار منفی دارد. بخردی‌نسب و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی تحت عنوان «واکنش سرمایه‌گذاران به حمایت در برابر تضاد منافع طی دوره رکود اقتصادی» انجام دادند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تضاد منافع میان مدیر و

www.SID.ir

Archive of SID

مالک بر واکنش سرمایه‌گذاران تأثیر منفی دارد و حمایت از سرمایه‌گذار بر واکنش سرمایه‌گذاران تأثیر مستقیم دارد. همچنین از دیگر نتایج پژوهش این است که اثر مثبت حمایت از سرمایه‌گذار و اثر منفی تضاد منافع میان مدیر و مالک بر واکنش سرمایه‌گذاران در دوره رکود اقتصادی تقویت می‌شود.

همانطور که مرور پیشینه پژوهش‌های مشابه انجام شده نشان می‌دهد، هیچ پژوهشی در گذشته، تضاد منافع بین شرکت‌ها با ذینفعان را براساس گستره هژمونیک قدرتِ در ساختارِ حاکمیتی به ویژه در سطح شرکت‌های خانوادگی مورد بررسی قرار نداده است و انجام این پژوهش می‌تواند به پُر نمودن ادبیات پژوهش در حوزه نمایندگی در شرکت‌های بازار سرمایه و حفاظت از منافع سهامداران موثر باشد.

روش شناسی پژوهش

از نظر نتیجه این پژوهش را می‌توان در دسته پژوهش‌های توسعه ای قرار داد، به این دلیل که واکاوی ساختارِ هژمونیک شرکت‌های با مالکیت خانوادگی از نظر ایجاد تعارض منافعِ با ذینفعان در گذشته مورد توجه قرار نگرفته است و انجام این پژوهش می‌تواند به ایجادِ ادبیات نظری پیوسته در حوزه‌ی حفاظت از حقوق سهامداران کمک نماید. براساس نوع داده این پژوهش ترکیبی تلقی می‌شود، زیرا در بخش کیفی از طریق غربالگری نظری براساس روش سیستماتیک فراترکیب، تلاش می‌نماید تا مولفه‌های ساختارِ هژمونیک شرکت‌های با مالکیت خانوادگی از نظر ایجاد تعارض منافعِ با ذینفعان را شناسایی نماید و براساس تحلیل ماتریس قطبی به عنوان یک روش تصمیم‌گیری چند معیاره (MCDM)، الگویی ساختارِ هژمونیک شرکت‌های با مالکیت خانوادگی از نظر ایجاد تعارض منافعِ با ذینفعان را مورد بررسی قرار دهد. معمولاً فرآیندهای تصمیم‌گیری براساس مولفه و گزاره که در قالب تحلیل ماتریسی و براساس مقایسه زوجی مورد بررسی قرار می‌گیرند، یکی از بهترین فرآیندهای رتبه‌بندی تفسیری (IRP) می‌باشند (سوشیل، ۲۰۰۹). در اجرای فرآیند رتبه‌بندی تفسیری (IRP)، روابط بین معیارها در قالب روابط ضمنی و انتقال‌پذیر همانند فرآیند رتبه‌بندی تفسیری (ISM) مورد استفاده قرار می‌گیرد (سوشیل، ۲۰۱۷).

جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری در بخش کیفی، شامل ۱۳ نفر از متخصصان و خبرگان رشته حسابداری در سطح دانشگاهی هستند، که به واسطه انجام پژوهش‌های علمی در زمینه مشابه، دارای رویکردی تخصصی و علمی در این رابطه می‌باشند. این افراد از طریق روش نمونه‌گیری همگن انتخاب شدند، چراکه هدف این بود، افرادی که در این بخش مشارکت می‌کنند، که دارای دید نظری در رابطه با موضوع پژوهش باشند. همچنین براساس تحلیل فراترکیب، در این بخش از پژوهش‌هایی مرتبط با مفاهیم پژوهش بهره برده می‌شود. در فاز دوم، به منظور انجام بخش تحلیل تفسیری رتبه‌بندی، از ۲۰ نفر از مدیران شرکت‌های با مالکیت خانوادگی در بازار سرمایه که چه به لحاظ دانشی و چه به لحاظ تجربی دارای سابقه بودند، خواسته شده تا براساس پرسشنامه‌های ماتریسی نسبت به مقایسه سطری «i» و ستونی «j» مولفه‌ها را یکدیگر اقدام شود. قابل ذکر است که باتوجه به اینکه تحلیل رتبه‌بندی تفسیری (IRP) یک تحلیل مبتنی بر تجزیه و تحلیلی ماتریسی و تحلیل در عملیات می‌باشد، می‌بایست براساس معیار مشخصی همچون تجربه یا دانش تخصصی توسط مشارکت‌کنندگان صورت پذیرد که براین مبنا از نظر حجم نمونه محدود است و مطابق با پژوهش‌هایی همچون سوشیل (۲۰۱۷)؛ چیتهامبارانتهان و همکاران (۲۰۱۵) می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

براساس مفهوم حاضر در این پژوهش باتوجه به اینکه، چارچوب منسجمی در اینباره وجود ندارد، ابتدا از طریق شیوه‌های تحلیل کیفی نسبت به انتخاب مولفه‌های پژوهش و تعیین پایایی آن استفاده می‌شود و سپس براساس تحلیل رتبه‌بندی تفسیری در بخش تحلیل کمی نسبت به تعیین تأثیرگذارترین مولفه‌ها اقدام می‌شود. باوجود این، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان در این مطالعه باتوجه به

www.SID.ir

Archive of SID

تشریح ابتدایی محقق درباره موضوع برای آن‌ها، توانستند ادراک مناسبی جهت شناسایی مولفه‌های موردنظر پژوهش بدست آورند و ویژگی‌ها و ابعاد آن را در قالب چک لیست‌های ماتریسی تعیین نمایند. براین اساس ابتدا در بخش تحلیل کیفی، تحلیلِ فراترکیب؛ دلفی و سپس در بخش کمی، تحلیل تفسیری رتبه‌بندی ارائه خواهد شد.

لذا در بخش اول براساس تحلیل فراترکیب طی بازه زمانی ۲۰۲۱-۲۰۱۸ نسبت به تعیین پژوهش‌های مشابه جهتِ غربالگری محتوایی اقدام می‌شود تا بتوان مولفه‌های ساختارِ هژمونیک شرکت‌های با مالکیت خانوادگی از نظر ایجاد تعارض منافعِ با ذینفعان تعیین شود. لذا ابتدا می‌بایست براساس مرورِ پژوهش‌های تجربی مشابه، براساس عنوان: محتوا و تحلیل، پژوهش‌هایی مورد بررسی قرار گیرد که بیشترین غرابت را با موضوع پژوهش دارد. براساس سه مرحله غربالگری اولیه، ۱۰ پژوهش تأیید گردید. در گام سوم از نظر ارزیابی انتقادی با مشارکتِ خبرگان پژوهش مورد تحلیل قرار گیرد. این فرآیند شامل ۱۰ معیار زیر است که براساس امتیازِ حداقل (۱) و حداکثر (۵) مورد بررسی قرار می‌گیرد. مجموع امتیازها براساس ۱۰ معیار می‌تواند ۵۰ باشد که اگر پژوهشی امتیاز ۳۰ و بیش از آن را کسب نماید، وارد گام چهام می‌شود. حالا براساسِ شناختِ بهترِ فرآیند انجام تحلیل در این گام، با مشارکتِ خبرگانِ پژوهش، ۱۰ پژوهشِ اولیه‌ی تاییدشده، مورد واکاویی امتیازی براساس تحلیل ارزیابی انتقادی قرار می‌گیرد.

جدول (۱) تحلیلِ ارزیابی انتقادی

		پژوهش‌های بین‌المللی							پژوهش‌های داخلی		
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۹	۱۰	۱۱
	پژوهش‌های تاییدشده	لیو و دوی (۲۰۲۱)	جامیل و همکاران (۲۰۲۱)	جونگ و هو (۲۰۲۰)	اقبال و همکاران (۲۰۲۰)	رامسوامی (۲۰۱۹)	ساکاوا و وانتابال (۲۰۱۹)	کاپوتو و همکاران (۲۰۱۸)	شریفی و همکاران (۱۴۰۰)	بخردی‌نسب و همکاران (۱۳۹۹)	یادآورنهندی و همکاران (۱۳۹۸)
معیارهای ارزیابی انتقادی	هدف	۲	۴	۳	۲	۴	۳	۴	۲	۳	۴
	روش	۱	۳	۴	۱	۳	۳	۳	۱	۳	۳
	طرح	۲	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۲	۳	۴
	نمونه‌گیری	۳	۵	۴	۲	۳	۳	۴	۳	۴	۴
	جمع‌آوری	۲	۳	۴	۳	۵	۴	۴	۲	۳	۳
	تعمیم	۳	۳	۳	۳	۴	۵	۴	۲	۴	۴
	اخلاقی	۳	۳	۴	۲	۳	۴	۴	۱	۴	۴
	تحلیل	۳	۲	۵	۳	۴	۵	۴	۲	۳	۳
	تئوریک	۲	۳	۴	۳	۳	۴	۳	۱	۴	۴
	ارزش	۲	۳	۴	۳	۳	۴	۴	۲	۴	۴
	جمع	۲۳	۳۳	۳۹	۲۵	۳۶	۳۹	۳۷	۱۸	۳۴	۳۷

براساس فرآیندِ ارزیابی انجام شده در تحلیل فراترکیب، ۳ پژوهش براساس کسب امتیازِ زیر ۳۰، حذف شدند. در ادامه به منظور تعیین مولفه‌های ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی از فرآیند انتخابِ بیشترین جمع توزیع فراوانی با واکاویی محتوایی در دلِ پژوهش‌های تایید شده، استفاده می‌شود. لذا براساس

www.SID.ir

Archive of SID

پژوهش‌های تایید شده، ابتدا کلیه‌ی معیارهای مربوط به مفهوم پژوهش تعیین و در ستون جدول (۲) آورده می‌شود تا با قراردادن علامت «☑» در جلوی هر پژوهش، در نهایت مشخص شود، بیشترین فراوانی مولفه ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی کدام است. به عبارت دیگر برمبنای استفاده از هر پژوهشگر از معیارهای فرعی نوشته شده در ستون جدول، علامت «☑» درج می‌شود، سپس امتیازهایی هر ☑ در ستون معیارهای فرعی، باهم جمع می‌شود و امتیازهای بالاتر از میانگین پژوهش‌های انجام شده، به عنوان مولفه‌های پژوهش انتخاب می‌شوند.

جدول (۲) فرآیندِ تعیین مولفه‌های ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی

شماره	محققان / مولفه‌ها	پژوهش‌های خارجی					داخلی		
		جامیل و همکاران (۲۰۲۱)	جورنگ و هو (۲۰۲۰)	رامسوامی (۲۰۱۹)	ساکاوا و واتنابال (۲۰۱۹)	کاپوتو و همکاران (۲۰۱۸)	بخردی‌نسب و همکاران (۱۳۹۹)	بادآورنهندی و همکاران (۱۳۹۸)	جمع
۱	حق رأی سهامداران اقلیت	☑	–	–	–	–	☑	–	۲
۲	تصدی مدیرعامل	☑	–	☑	☑	-	☑	☑	۵
۳	عدم‌تمرکز مالکیت	☑	–	–	☑	–	–	☑	۳
۴	عدم استقلال هیئت‌مدیره	☑	☑	☑	☑	☑	☑	☑	۷
۵	قدرت مدیرعامل	–	☑	–	–	☑	–	☑	۳
۶	سهامداران نهادی	–	–	☑	☑	–	☑	–	۳
۷	دوگانگی وظیفه	☑	–	–	–	–	–	☑	۲
۸	معاملات با اشخاص وابسته	–	☑	☑	☑	☑	☑	☑	۶
۹	سهام شناور آزاد	–	–	–	☑	–	☑	☑	۳
۱۰	اندازه هیئت‌مدیره	–	☑	☑	☑	☑	☑	☑	۶
۱۱	سهام خزانه	☑	–	–	–	☑	–	–	۲
۱۲	ترکیب ساختار هیئت‌مدیره	–	–	☑	–	–	–	☑	۲
۱۳	پاداش مدیران	☑	☑	☑	☑	☑	☑	–	۶
۱۴	توانایی مدیریتی		–	☑	–	–	–	☑	۲
۱۵	عدم‌تقارن اطلاعات	☑	☑	☑	–	☑	☑	–	۶
۱۶	درصد مالکیت هیئت‌مدیره	☑	-	-	-	☑	–	–	۲
۱۷	مالکیت مدیریتی	☑	☑	☑	☑	–	☑	–	۵

در این بخش ۷ مولفه اصلی به عنوان مبانیِ اصلیِ ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی براساسِ بیشترین فراوانی در پژوهش‌های تأیید شده، انتخاب شدند که در جدول (۳) نسبت به بیانِ تعاریفِ این مولفه‌ها اقدام شده است

.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول (۳) تعاریفِ مولفه‌های انتخاب شده

مولفه‌ها	تعاریف
معاملات با اشخاص وابسته	معاملات با اشخاص وابسته به عنوان بُعدِ هژمونیک در ایجاد تعارض منافع بین شرکت با سهامداران مبحثی است که استانداردهای حسابداری همواره بر پیش فرضی آن به عنوان عاملی برای عدم‌شفافیت‌های عملکردی شرکت‌های بازار سرمایه صحه گذاشته اند. علیرقم اینکه بسیاری از معاملات با اشخاص وابسته در روال عادی عملیات واحد تجاری می‌تواند انجام می‌شود، اما در برخی مواقع معاملات با اشخاص وابسته ممکن است به دلیل توانایی اعمال کنترل یا نفوذ قابل‌ملاحظه اشخاص مزبور (ممکن است در موقعیتی باشند که نفوذ بسیار زیادی بر واحد تجاری یا مدیران اجرایی آن اعمال کنند) تحت شرایط عادی بازار انجام نشود؛ برای مثال، برخی از معاملات با اشخاص وابسته ممکن است بدون دریافت تمام یا بخشی از ما به ازای آن انجام شود و یا واحد تجاری فرعی کالاهای خود را به قیمت یا شرایطی متفاوت با سایر مشتریان، به واحد تجاری اصلی یا واحدهای تجاری همگروه بفروشد. به همین دلیل، آگاهی از معاملات، مانده حساب‌های فی مابین و رابطه با اشخاص وابسته ممکن است بر ارزیابی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از عملیات واحد تجاری شامل ارزیابی ریسک و فرصت‌های پیش روی واحد تجاری، تاثیر بگذارد و باعث ایجاد تضاد منافع گردد (جونگ و هو، ۲۰۲۰)
مالکیت مدیریتی	مالکیت مدیریتی به عنوان بُعدِ دیگر، ساختارِ هژمونیک در ایجاد تعارض منافع بین شرکت با سهامداران، اشاره به درصد سهام تحت تملک مدیران شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی دارد که می‌تواند به دلیل سیطره‌ی انگیزه‌های فرصت طلبی افراد دارای قدرت به عنوان تصمیم‌گیرندگان رأس شرکت، به ایجاد تعارض منافع بین سهامداران و شرکت منجر شود. اگرچه ممکن است مالکیت مدیریتی سطح انگیزه‌های تعهدی را در حفاظت از منافع افزایش دهد، اما بنا بر نظریه انتخاب عمومی، وجودِ مالکیت مدیریتی در ساختاری با ماهیت مالکیت خانوادگی می‌تواند براساس هژمونی قدرت در ساختار چنین شرکت‌هایی به افزایش تعارض منافع و تضییع حقوق سهامداران دیگر منجر شود.
عدم‌استقلال هیئت‌مدیره	استقلال هیئت‌مدیره به عنوان بُعدِ دیگر ساختار هژمونیک در ایجاد تعارض منافع بین شرکت با سهامداران به عدم‌مستقل‌بودن اعضای هیئت‌مدیره در ساختارِ شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی اشاره دارد. معمولاً انتخاب اعضای هیئت‌مدیره در شرکت‌های خانوادگی با صلاحدید فرد دارای قدرت به عنوان بنیانگذار شرکت و یا سایر افراد نزدیک به او جهتِ حرکت در مسیر منافع تعیین شده، صورت می‌پذیرد. لذا کمتر بودن نسبت اعضای غیر مؤظف به کل اعضا در این شرکت‌ها می‌تواند به کاهش استقلال هیئت‌مدیره در تصمیم‌گیری‌های شرکت منجر شود و براین اساس حقوق سهامداران خُرد معمولاً آنطور که باید مدنظر قرار گرفته نمی‌شود. هژمونی در ساختار حاکمیت، در انتخاب اعضای هیئت‌مدیره همسو با انتظارات افراد دارای قدرت موضوعی است که احتمالاً به شکاف بیشتر تعارض منافع بین شرکت‌های خانوادگی با سهامداران دیگر منتهی گردد.
تصدی بلندمدت مدیرعامل	تصدی بلندمدت مدیرعامل، به عنوان بُعدِ دیگر ساختار هژمونیک در ایجاد تعارض منافع بین شرکت با سهامداران، به ثبات تصدی مدیرعاملی شرکت توسط افراد معدودی اشاره دارد که سالیانی زیادی را در سمت مدیرعامل شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی سپری می‌نمایند. همواره یکی از نقدهای آیین‌نامه‌های نهادهای بالادستی در شرکت‌های بورسی، فقدان نظارت بر نحوه و انتخاب تصدی مدیران عامل شرکت‌ها به ویژه شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی می‌باشد. اگرچه تصویب دستورالعمل‌هایی تلاش نمودند تا دوره تصدی را کنترل نمایند، اما غالب انتصاب‌ها در این حوزه به ویژه در شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی بر این پیش فرض استوار است که از اعضای نزدیک به خانواده دارای قدرت و بنیانگذاران شرکت انتخاب گردد و این موضوع می‌تواند زمینه‌ی تعارض و تضاد منافع بین شرکت به سهامداران را بیش از پیش افزایش دهد. زیرا تصمیم‌های مدیریتی در چنین وضعی می‌تواند همسو با خواسته و نیازهای القاء شده به او توسط صاحبان هژمونی قدرت صورت پذیرد.
عدم‌اندازه بهینه هیئت‌مدیره	اندازه هیئت‌مدیره، به عنوان بُعدِ دیگر ساختار هژمونیک در ایجاد تعارض منافع بین شرکت با سهامداران، عنصری با اهمیت در ویژگی‌های هیأت‌مدیره مطرح است. تعداد بهینه اعضای هیأت‌مدیره باید به گونه‌ای تعیین شود که نسبت به این موضوع که اعضای کافی برای پاسخگویی به وظایف هیأت‌مدیره و انجام وظایف مختلف هیأت‌مدیره وجود دارد، اطمینان خاطر حاصل شود. هیأت‌مدیره‌های بزرگ‌تر، از قدرت کمتری برخوردارند. در اینگونه هیأت‌مدیره‌ها، توافق و اجماع در خصوص یک موضوع خاص بسیار دشوار است. لذا ساختار شرکت‌هایی با ماهیت مالکیت خانوادگی احتمالاً از اندازه بهینه هیئت‌مدیره در پیشبرد اهداف شرکت برخوردار نباشند، چراکه اولویت‌بندی منافع در راستای سیاست‌ها و اتخاذ تصمیم‌هایی است که افراد دارای قدرت در رأس شرکت اتخاذ می‌نمایند و این موضوع احتمالاً باعثِ تضییع حقوق ذینفعان گردد.
پاداش مدیران	پاداش مدیران به عنوان بُعدِ دیگر ساختار هژمونیک در ایجاد تعارض منافع بین شرکت با سهامداران، مبنایی برای ایجادِ تعارض منافع می‌تواند تلقی شود. چراکه سازوکارهای تخصیص پاداش به دلیل عدم‌نظارت‌های فراگیر نهادی بر کارکردهای بازار سرمایه معمولاً در چارچوب مشخصی از سطوح افشاء اطلاعات ممکن است، صورت نپذیرد و عدم‌افشاء این اطلاعات در شرکت‌ها می‌تواند عاملی برای ایجاد تبعیض و تعارض منافع شرکت با سهامداران گردد. اگرچه پاداش می‌تواند تحت عنوان انگیزه تورنمنت/رقابتی در ایجادِ عملکردهای مثبت در جهتِ حفاظت از منافع سهامداران موثر باشد، اما معمولاً هژمونی قدرت در لایه‌های پنهان ساختارهای مالکیت خانوادگی می‌تواند پاداش را صِرفا در جهتِ دستیابی به اهداف از قبل تعیین شده توسط ارکان شرکت مصادره نماید و باعث ایجادِ تضییع حقوق سهامداران گردد.

www.SID.ir

Archive of SID

عدم‌تقارن اطلاعاتی

عدم‌تقارن به عنوان بُعدِ دیگر ساختار هژمونیک در ایجاد تعارض منافع بین شرکت با سهامداران، نیز کارکردی از ساختارهای فراگیر قدرت تک‌بُعدی در شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی می‌تواند تلقی شود که شکاف بیشتری برای تعارض منافع شرکت با سهامداران ایجاد نماید. در واقع عدم‌افشاء به موقع و یا کامل اطلاعات و عدم‌افشاء اختیاری اطلاعات می‌تواند باعث گردد تا شرکت‌ها منافع ذینفعان به ویژه سهامداران را در تصمیم‌گیری‌های برابر و متقارن مورد نظر قرار ندهد و در این شرایط شرکت‌ها دست بالاتر را در پنهان سازی اخبار و یا عدم‌افشاء آن برای سهامداران داشته باشند. لذا می‌توان بیان نمود، عدم‌تقارن اطلاعاتی کارکردِ منفی ساختار هژمونیک در ایجاد تعارض منافع بین شرکت با سهامداران است که براساس منفعت‌طلبی افراد دارای قدرت در شرکت‌هایی با مالیکت خانوادگی باعث تضییع حقوق ذینفعان گردد.

در گام بعدی، پژوهش از طریق دستیابی به اجماع نظر خبرگان، می‌بایست متناسب بودن مولفه‌های پژوهش با مقوله‌ی ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی در سطح بازار سرمایه ایران را از طریق تحلیل دلفی براساسِ دو معیار میانگین و ضریب توافق انجام دهد. لذا برای انجام این بخش باتوجه به مقیاس ۷ گزینه‌ای ارزیابی، طبق جدول (۴) نتایج تحلیل دلفی ارائه شده است.

جدول (۴) فرآیند تحلیل دلفی برای تعیین اجماع نظر خبرگان

دور اول دلفی		دور دوم دلفی		نتیجه		
میانگین	ضریب توافق	میانگین	ضریب توافق			
۵/۱۵	۰/۵۵	۵/۲۵	۰/۸۸	تایید	معاملات با اشخاص وابسته	**ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی**
۵/۵۰	۰/۷۵	۶/۲۰	۰/۸۵	تایید	مالکیت مدیریتی	
۵/۲۰	۰/۶۰	۵/۵۰	۰/۸۵	تایید	عدم‌استقلال هیئت‌مدیره	
۵/۱۰	۰/۵۰	۵/۴۰	۰/۷۰	تایید	تصدی بلندمدت مدیرعامل	
۶	۰/۸۰	۶/۲۰	۰/۸۵	تایید	عدم اندازه بهینه هیئت‌مدیره	
۵/۲۰	۰/۶۰	۵/۳۰	۰/۶۵	تایید	تخصیص پاداش مدیران	
۵/۱۰	۰/۵۰	۵/۴۰	۰/۷۰	تایید	عدم‌تقارن اطلاعاتی	

نتایج پس از دو دور تحلیل در گام دلفی نشان داد، تمامی مولفه‌های پژوهش براساسِ ضریب توافق و میانگین مورد تأیید قرار گرفتند. لذا مجموعاً ۷ مولفه‌ی ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی براساس چارچوبِ نظری تدوین‌شده‌ی زیر، وارد فاز تحلیل رتبه‌بندی تفسیری می‌شوند. در این بخش به عنوانِ گامِ آخرِ تحلیل کیفی، الگوی نظری پژوهش برای تحلیلِ ابعادِ ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی ارائه می‌شود.

شکل (۳) الگوی نظری پژوهش



www.SID.ir

Archive of SID

در ادامه همانطور که پیش‌تر توضیح داده شد، پژوهش واردِ فازِ تحلیل رتبه‌بندی تفسیری می‌شود تا اثرگذارترین مولفه‌ی مربوط به ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی را مشخص نماید. لذا جهتِ مقایسه زوجی مولفه‌های پژوهش از فرآیندِ ارزیابی تاثیرگذاری سطر «i» بر ستون «j»و یا برعکس و یا متقابل، استفاده می‌شود. لذا به منظور ایجاد ماتریس‌های تعاملی ابتدا می‌بایست سطح ارتباط مستقیم، متقارن و یا غیرمستقیم را همسو با توضیح‌ها مور توجه قرار داد. برای تعیین نوع روابط پیشنهاد شده است که از نظر خبرگان براساسِ نمادهای مندرج در جدول (۵) استفاده می‌شود:

جدول (۵) روابط مفهومی در تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری

اختصارات تعریف شده				
	V	**A**	**X**	**O**
تشریح ریاضی	$i \Rightarrow j$	$i \Leftarrow j$	$i \Leftrightarrow j$	$i \nLeftrightarrow j$
تشریح تفسیری	اثر مستقیم سطر بر ستون	اثر مستقیم ستون بر سطر	اثرمتقابل سطر و ستون	عدم‌وجود اثر سطر و ستون

با عنایت به اختصارات این تحلیل، در ادامه نسبت به تشکیلِ ماتریس خودتعاملی ساختاری (SSIM) اقدام می‌شود.

در این بخش می‌بایست نسبت به تعیینِ ماتریس تفسیری براساس مقایسه سطر «i» و ستون «j» و شاخصِ مُد به ترتیب زیر اقدام شود.

جدول (۶) ماتریس خودتعاملی مولفه‌های ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی

		معاملات	مالکیت	استقلال	تصدی	اندازه	پاداش	عدم‌تقارن
	F	F1	F2	F3	F4	F5	F6	**F7**
مولفه‌های مستقر سطر «i»	F1 معاملات با اشخاص وابسته	–	O	A	A	A	O	V
	F2 مالکیت مدیریتی		–	A	V	A	V	V
	F3 عدم‌استقلال هیئت‌مدیره			–	V	X	V	V
	F4 تصدی بلندمدت مدیرعامل				–	O	V	V
	F5 عدم اندازه بهینه هیئت‌مدیره					–	V	V
	F6 تخصیص پاداش مدیران						–	V
	F7 عدم‌تقارن اطلاعاتی							

مولفه‌های مستقر ستون «j»

جدول (۷) تحلیل تفسیری ماتریس متقابلِ مولفه‌های ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی

		F1	F2	F3	F4	F5	F6	F7
مولفه‌های مستقر سطر «i»	**F1**	–						**معالات با اشخاص وابسته مبنایی برای عدم‌تقارن اطلاعاتی در هژمونی ساختار**

www.SID.ir

Archive of SID

							مالکیت خانوادگی
F2			-		مالکیت مدیریتی مبنایی برای تصدی بلندمدت مدیرعامل در هژمونی ساختار مالکیت خانوادگی	مالکیت مدیریتی مبنایی برای تخصیص پاداش مدیران در هژمونی ساختار مالکیت خانوادگی	**مالکیت مدیریتی مبنایی برای عدم‌تقارن اطلاعاتی در هژمونی ساختار مالکیت خانوادگی**
F3	عدم‌استقلال هیئت‌مدیره مبنایی برای معالات با اشخاص وابسته در هژمونی ساختار مالکیت	عدم‌استقلال هیئت‌مدیره مبنایی برای مالکیت مدیریتی در هژمونی ساختارهای خانوادگی	-	عدم‌استقلال هیئت‌مدیره مبنایی برای تصدی بلندمدت مدیرعامل در هژمونی ساختار مالکیت خانوادگی	عدم‌استقلال هیئت‌مدیره مبنایی برای عدم‌اندازه در هژمونی ساختار مالکیت خانوادگی	عدم‌استقلال هیئت‌مدیره مبنایی تخصیص پاداش مدیران در هژمونی ساختار مالکیت خانوادگی	**عدم‌استقلال هیئت‌مدیره مبنایی برای عدم‌تقارن اطلاعاتی در هژمونی ساختار مالکیت خانوادگی**
F4	تصدی بلندمدت مدیرعامل مبنایی برای معالات با اشخاص وابسته در هژمونی ساختار مالکیت			-		تصدی بلندمدت مدیرعامل مبنایی تخصیص پاداش مدیران در هژمونی ساختار مالکیت خانوادگی	**تصدی بلندمدت مدیرعامل مبنایی برای عدم‌تقارن اطلاعاتی در هژمونی ساختار مالکیت خانوادگی**
F5	عدم‌اندازه بهینه هیئت‌مدیره مبنایی برای معالات با اشخاص وابسته در هژمونی ساختار مالکیت	عدم‌اندازه بهینه هیئت‌مدیره مبنایی برای مالکیت مدیریتی در هژمونی ساختارهای خانوادگی	عدم‌اندازه بهینه هیئت‌مدیره مبنایی برای عدم‌استقلال هیئت‌مدیره در هژمونی ساختارهای خانوادگی		-	عدم‌اندازه بهینه هیئت‌مدیره مبنایی تخصیص پاداش مدیران در هژمونی ساختار مالکیت خانوادگی	**عدم‌اندازه بهینه هیئت‌مدیره مبنایی برای عدم‌تقارن اطلاعاتی در هژمونی ساختار**

www.SID.ir

Archive of SID

مالکیت خانوادگی		
تخصیص پاداش مدیران	-	**F6**
مبنایی برای عدم‌تقارن اطلاعاتی در هژمونی ساختار مالکیت خانوادگی		
-		**F7**

مولفه‌های مستقر ستون «j»

در این بخش می‌بایست براساسِ فرآیندِ تبدیل اختصارهای تعریف شده در جدول (۵) و نحوه‌ی تبدیل نمادهای اختصاری ارائه شده در جدول (۸) نسبت به ایجاد ماتریس دستیابی اقدام نمود.

در این بخش براساس این مفاهیم، اقدام به تشکیل ماتریس دستیابی جهتِ تعیین مقایسه سطر «i» و ستون «j» براساس ۰ و ۱ می‌شود.

جدول (۸) فرآیندِ تبدیل نمادهای اختصاری به ۰ و ۱

تبدیل نمادهای مفهومی به اعداد کمی		
نماد مفهومی	V	خانه‌ی مربوط به این زوج در ماتریس دستیابی عدد ۱ و خانه‌ی قرینه‌ی آن عدد ۰ قرار می‌گیرد.
	A	خانه‌ی مربوط به این زوج در ماتریس دستیابی عدد ۰ و خانه‌ی قرینه‌ی آن عدد ۱ قرار می‌گیرد.
	X	خانه‌ی مربوط به این زوج در ماتریس دستیابی عدد ۱ و خانه‌ی قرینه‌ی آن عدد ۱ قرار می‌گیرد.
	O	خانه‌ی مربوط به این زوج در ماتریس دستیابی عدد ۰ و خانه‌ی قرینه‌ی آن عدد ۰ قرار می‌گیرد.

جدول (۹) ماتریس دستیابی مولفه‌های ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی

		F	معاملات	مالکیت	استقلال	تصدی	اندازه	پاداش	عدم‌تقارن
			F1	F2	F3	F4	F5	F6	**F7**
مولفه‌های مستقر سطر «i»	معاملات با اشخاص وابسته	F1	۱	۰	۰	۰	۰	۰	**۱**
	مالکیت مدیریتی	F2	۰	۱	۰	۱	۰	۱	**۱**
	عدم‌استقلال هیئت‌مدیره	F3	۱	۱	۱	۱	۱	۱	**۱**
	تصدی بلندمدت مدیرعامل	F4	۱	۰	۰	۱	۰	۱	**۱**
	عدم اندازه بهینه هیئت‌مدیره	F5	۱	۱	۱	۰	۱	۱	**۱**
	تخصیص پاداش مدیران	F6	۰	۰	۰	۱	۱	۱	**۱**
	عدم‌تقارن اطلاعاتی	F7	۰	۰	۰	۱	۱	۱	**۱**

مولفه‌های مستقر ستون «j»

www.SID.ir

Archive of SID

در ادامه‌ی تحلیل جهتِ تعیین ارتباطِ غیرمستقیم بین مولفه‌های ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی، مقایسه‌ی زوجی i امین مولفه به صورت دو به دو با تمام عناصر از $(i+1)$ ام تا n ام مورد مقایسه قرار می‌گیرد. برای هر ارتباط پاسخ بله از گزینه «☑» استفاده شده است که به معنایِ وجودِ ارتباط قطبی بین مولفه‌های پژوهش است.

جدول (۱۱) مقایسه زوجی بین مضامین گزاره‌ای براساس فرم ماتریس

ماتریس متقابل F7 ...*F1*

F7 − F1	F1 − F7	F6 − F1	F1 − F6	F5 − F1 ☑	F1 − F5	F4 − F1 ☑	F1 − F4	F3 − F1 ☑	F1 − F3	F2 − F1	F1 − F2	*F1*

ماتریس متقابل F6 ...*F2*

F7 − F2	F2 − F7	F6 − F2	F2 − F6	F5 − F2 ☑	F2 − F5	F4 − F2	F2 − F4	F3 − F2 ☑	F2 − F3	*F2*

ماتریس متقابل F8 ...*F3*

F7 − F3	F3 − F7	F6 − F3	F3 − F6	F5 − F3 ☑	F3 − F5 ☑	F4 − F3	F3 − F4	*F3*

ماتریس متقابل F8 ...*F4*

F7 − F4	F4 − F7	F6 − F4	F4 − F6	F5 − F4	F4 − F5	*F4*

ماتریس متقابل F8−*F5*

F7 − F5	F5 − F7	F6 − F5	F5 − F6	*F5*

ماتریس متقابل F8−*F6*

F7 − F6	F6 − F7	*F6*

همانطور که مشاهده می‌شود، ۷ حالت از روابط غیرمستقیم مقایسه زوجی وجود دارد که در جدول (۱۲) نسبت به تشریح روابط غیرمستقیم تشریح این روابط ارائه شده است.

براساس، ماتریس مقایسه زوجی، در این بخش اقدام به تدوین ماتریس دستیابی نهایی براساس ارتباط غیرمستقیم مولفه‌های پژوهش می‌شود. در واقع در این بخش اگر مولفه‌ی F1 با مولفه‌ی F2 بدون ارتباط تفسیر شده باشد، اما ارتباط بین F2 با F3 به صورت مستقیم تعریف شده است، براساس اجرای دستور بولین پروداکت در نرم افزار متلب می‌توان ارتباط F1 با F3 به صورت متقارن و در قالب «*۱» تعیین شود. لذا نتایج این بخش در جدول (۱۳) به ترتیب زیر ارائه شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول (۱۲) تشریح روابطِ ماتریس متقابل زوجی

ماتریس متقابل	تشریح ماتریس متقابل
معاملات با اشخاص وابسته «F1»	
F3 → F1	عدم‌استقلال هیئت‌مدیره مبنایی برای معالات با اشخاص وابسته در هژمونی ساختار مالکیت
F4 → F1	تصدی بلندمدت مدیرعامل مبنایی برای معالات با اشخاص وابسته در هژمونی ساختار مالکیت
F5 → F1	عدم‌اندازه بهینه هیئت‌مدیره مبنایی برای معالات با اشخاص وابسته در هژمونی ساختار مالکیت
مالکیت مدیریتی «F2»	
F3 — F2	عدم‌استقلال هیئت‌مدیره مبنایی برای مالکیت مدیریتی در هژمونی ساختارهای خانوادگی
F5 — F2	عدم‌اندازه بهینه هیئت‌مدیره مبنایی برای مالکیت مدیریتی در هژمونی ساختارهای خانوادگی
عدم‌استقلال هیئت‌مدیره «F3»	
F3 — F5	عدم‌استقلال هیئت‌مدیره مبنایی برای عدم‌اندازه در هژمونی ساختار مالکیت خانوادگی
F5 — F3	عدم‌اندازه بهینه هیئت‌مدیره مبنایی برای عدم‌استقلال هیئت‌مدیره در هژمونی ساختارهای خانوادگی
تصدی بلندمدت مدیرعام «F4»	
--	--
عدم‌اندازه بهینه هیئت‌مدیره «F5»	
--	--
پاداش مدیران «F6»	
--	--

جدول (۱۳) ماتریس دستیابی نهایی مولفه‌های ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی

		F	معاملات	مالکیت	استقلال	تصدی	اندازه	پاداش	عدم‌تقارن
			F1	F2	F3	F4	F5	F6	**F7**
مولفه‌های مستقر سطر «i»	معاملات با اشخاص وابسته	F1	۱	۰	۱*	۰	۱*	۱*	**۱**
	مالکیت مدیریتی	F2	۰	۱	۱*	۱	۱*	۱	**۱**
	عدم‌استقلال هیئت‌مدیره	F3	۱	۱	۱	۱	۱	۱	**۱**
	تصدی بلندمدت مدیرعامل	F4	۱	۰	۰	۱	۱*	۱	**۱**
	عدم اندازه بهینه هیئت‌مدیره	F5	۱	۱	۱	۰	۱	۱	**۱**
	تخصیص پاداش مدیران	F6	۰	۰	۰	۱	۱	۱	**۱**
	عدم‌تقارن اطلاعاتی	F7	۰	۰	۰	۱	۱	۱	**۱**

مولفه‌های مستقر ستون «**j**»

تأثیرگذاری انتقالی «۱» **تأثیرگذاری مستقیم «۱*»**

باتوجه به مشخص شدن، سطح تاثیرگذاری مستقیم و انتقالی مولفه‌های ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی، در گام بعد اقدام به تعیین درصدهای امتیاز مجموع سطح تاثیرگذاری‌ها می‌شود که این نتایج در قالبِ جدول (۱۴) ارائه شده است.

جدول (۱۴) درصد امتیازهای سطح تاثیرگذاری مضامین استیلایِ قدرت

		تاثیرگذاری مستقیم	تاثیرگذاری انتقال‌پذیر	تاثیرگذاری تفسیری	تاثیرگذاری کلی	درصد تاثیرگذاری جامع	
مولفه‌های	F1	۲	۳	۱	۶	۱۰/۷۱	*4th*
	F2	۴	۲	۳	۹	۱۶/۰۷	*3rd*
	F3	۷	۰	۶	۱۳	۲۳/۲۱	***1st***

Rank

www.SID.ir

Archive of SID

F4	۴	۱	۳	۸	۱۴/۲۸	6^{th}
F5	۶	۰	۵	۱۱	۱۹/۶۴	2^{nd}
F6	۴	۰	۱	۵	۸/۹۲	5^{th}
F7	۴	۰	۰	۴	۷/۱۴	6^{th}
مجموع	۱۹	۶	۳۱	۵۶		
درصد	۳۳/۹۲	۱۰/۷۱	۵۵/۳۵			

نتایج نشان داد، ۳۳/۹۲ درصد ارتباط بین مولفه‌های ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی، مستقیم و تنها ۱۰/۷۱ درصد دارای تاثیرگذاری انتقالی هستند و بیشترین درصد تأثیرگذاری مربوط به تأثیرگذاری تفسیری مولفه‌های پژوهش با ۵۵/۳۵ درصد می‌باشد. از مجموع تاثیرگذاری کلی مبتنی بر مقیاسه زوجی بین مولفه‌های پژوهش مشخص شد، درصدِ تاثیرگذاری مولفه‌ی عدم‌استقلال هیئت‌مدیره نسبت به بقیه مولفه‌های ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی بیشتر است، که به معنای آن است که جهتِ جاری سازی رویکردِ ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی در سطح شرکت‌های بازار سرمایه، افشاء اطلاعات مربوط به کارکردهای هیئت‌مدیره نسبت به سایر مولفه از اثربخشی بالاتری برخوردار است. در ادامه باهدفِ تقویتِ شناختِ مولفه‌های پژوهش از نظر ماتریس میک‌مک، اقدام به جایگذاری هریک از مولفه‌های پژوهش در درون این ماتریس می‌شود.

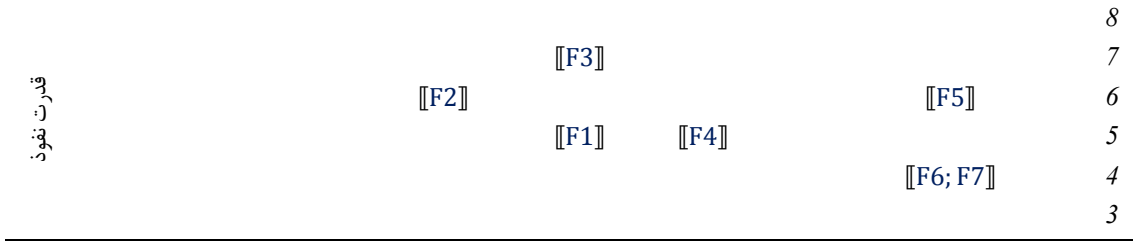
جدول (۱۳) تعیین قدرت نفوذ و وابستگی مولفه‌های ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی

		F	F1	F2	F3	F4	F5	F6	F7	قدرت نفوذ
مولفه‌های مستقر سطر «i»	معاملات با اشخاص وابسته	F1	۱	۰	۱*	۰	۱*	۱*	۱	۵
	مالکیت مدیریتی	F2	۰	۱	۱*	۱	۱*	۱	۱	۶
	عدم‌استقلال هیئت‌مدیره	F3	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۷
	تصدی بلندمدت مدیرعامل	F4	۱	۰	۰	۱	۱*	۱	۱	۵
	عدم اندازه بهینه هیئت‌مدیره	F5	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۶
	تخصیص پاداش مدیران	F6	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۴
	عدم‌تقارن اطلاعاتی	F7	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۴
		قدرت وابستگی	۴	۳	۴	۵	۷	۷	۷	

مولفه‌های مستقر ستون «j»

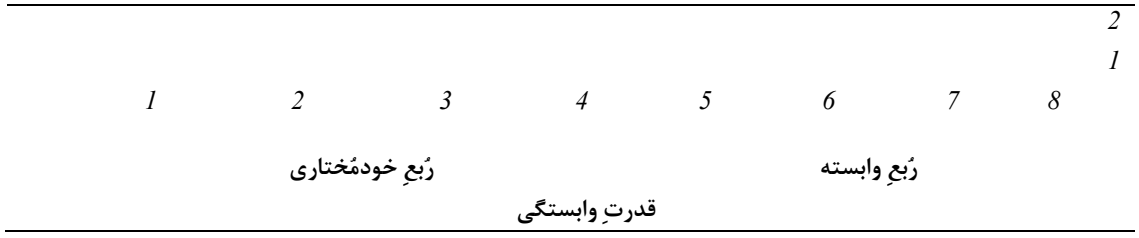
براساس تعیین قدرت نفوذ و وابستگی اقدام به تحلیل گره‌ها و لینک‌های هریک از مولفه‌های پژوهش در قالب تحلیل نموداری میک‌مک می‌شود. لذا براساس قدرت نفوذ و وابستگی از طریقترکیب‌نمودن تقارنِ مولفه‌های براساسِ ۴ بُعدِ نموداری این تحلیل، مولفه‌های جایگذاری می‌شوند.

نمودار (۱) (MICMAC) قرارگرفتن مولفه‌های پژوهش براساس قدرت نفوذ و وابستگی



www.SID.ir

Archive of SID



همانطور که نتایج نشان می‌دهد، در رُبع اول، یعنی خودمختاری، هیچ مولفه‌ی از ساختارِ هژمونیکِ شرکت‌های مالکیت خانوادگی در ایجادِ تعارض منافع با ذینفعان قرار ندارد که نشان می‌دهد تمامی مولفه‌های شناسایی شده در این پژوهش به لحاظ قدرت نفوذ و وابستگی از نظر تأثیرگذاری در ایجاد تعارض دارای اهمیت می‌باشند. از طرف دیگر در رُبع وابسته مشخص شد، دو مولفه‌ی تخصیص پاداش مدیران و عدم‌تقارن اطلاعاتی قرار دارند که اگرچه قدرت نفوذ پایین‌تری از حد مطلوب دارند، اما از قدرت وابستگی قوی برخوردار هستند. لذا دو مولفه‌ی تخصیص پاداش مدیران و عدم‌تقارن اطلاعاتی تحت تأثیر متغیرهای رُبع مستقل و پیوندی قرار دارند. همچنین می‌توان بیان نمود تحتِ وجود ساختارِ هژمونیکِ شرکت‌های مالکیت خانوادگی، دو بُعدِ تخصیص پاداش مدیران و عدم‌تقارن اطلاعاتی محتمل ترین پیامد ناشی از ایجاد تعارض منافع بین شرکت با سهامداران می‌باشد. در رُبع مستقل مشخص شد سه مولفه‌ی معاملات با اشخاص وابسته؛ مالکیت مدیریتی و عدم‌استقلال هیئت‌مدیره دارای قدرت نفوذ بسیار بالایی در کارکردهای ساختارِ هژمونیک در شرکت‌های مالکیت خانوادگی در سطح بازار سرمایه هستند. اما به لحاظ اثرگذاری عدم‌استقلال هیئت‌مدیره مهمترین عاملِ ساختارِ هژمونیکِ شرکت‌های مالکیت خانوادگی در ایجادِ تعارض منافع با ذینفعان تلقی می‌شود که می‌تواند بر معاملات با اشخاص وابسته و مالکیت مدیریتی، تأثیرگذاری مستقیم و لایه اولی نسبت به سایر مولفه‌های دیگر داشته باشد. در نهایت مشخص شد، در رُبع پیوندی دو مولفه‌ی تصدی بلندمدت مدیرعامل و عدم‌اندازه بهینه هیئت‌مدیره قرار دارند که اگرچه قدرت نفوذ و وابستگی بالایی دارند، اما تحت تأثیر متغیرهای ربع مستقل تغییرپذیری متناسبی از نظر ساختار نشان می‌دهند. لذا نتیجه کسب‌شده، حکایت از تأثیرگذاری عدم‌استقلال هیئت‌مدیره به عنوان مهمترین عاملِ ساختارِ هژمونیکِ شرکت‌های مالکیت خانوادگی در ایجادِ تعارض منافع با ذینفعان تلقی می‌شود که به تناوب می‌تواند براساس محل قرارگرفتن هریک از مولفه‌ها، نقش اثرگذاری بر بروز آن‌ها در ایجاد تعارض منافع بین شرکت با سهامداران داشته باشد.

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش ارائه الگوی هژمونیک ایجاد تعارض منافعِ ذینفعان در شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی با الهام از نظریه کادیلوئیسم‌ها در حاکمیت شرکتی می‌باشد. در واقع نظریه کادیلوئیسم‌ها ساختار حاکمیت سیاسی در اداره‌ی امور را مبتنی بر فرآیندهایی از قدرت‌گرایی بنا می‌نماید و در انتخاب افراد به عنوان سردمداران اداره و نظارت بر امور اجرایی، از افراد نزدیک به قدرت استفاده می‌نمایند. از آنجاییکه ساختار شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی احتمالاً از چنین الگویی پیروی نماید، در این پژوهش تلاش گردید تا زوایه‌ی مختلفی از ویژگی‌های ساختاری شرکت‌های دارای هژمونی قدرت براساس نوع مالکیت فامیلی مورد بررسی قرار گیرد. لذا ابتدا از طریق واکاوی محتوایی از متون پژوهش تلاش شد تا ابعاد مکانیزم‌های مالکیت خانوادگی از نظر احتمال ایجاد تداخل براساس تضییع منافع سایر سهامداران دارای نفوذ اقلیت در شرکت شناسایی شود و با انجام تحلیل دلفی نسبت به پایایی آن در بازار سرمایه ایران اقدام لازم را صورت داد. لذا نتایج در بخش کیفی از وجود ۷ مولفه اصلی به عنوان ابعادِ ساختارِ هژمونیکِ شرکت‌های مالکیت خانوادگی در ایجادِ تعارض منافع با ذینفعان حکایت داشت. سپس با انجام تحلیل رتبه‌بندی تفسیری پژوهش همسو با

www.SID.ir

Archive of SID

سوال دوم پژوهش، تلاش داشت تا تأثیرگذارترین مولفه/های هژمونیک ایجاد تعارض منافعِ ذینفعان در شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی را شناسایی نماید. نتایج پس از طی فرآیندهای تحلیل نشان داد، عدم‌استقلال هیئت‌مدیره به عنوان مهمترین عاملِ ساختارِ هژمونیکِ شرکت‌های مالکیت خانوادگی در ایجادِ تعارض منافع با ذینفعان تلقی می‌شود که به تناوب می‌تواند براساس محل قرارگرفتن هریک از مولفه‌ها، نقش اثرگذاری بر بروز آن‌ها در ایجاد تعارض منافع بین شرکت با سهامداران داشته باشد. در تحلیل نتیجه کسب‌شده باید بیان نمود، از آنجاییکه همواره این احتمال وجودِ دارد ساختارهای با مالیکت خانوادگی در پی حفظ قدرت خود در مسیر شرکت می‌باشند، تلاش می‌نمایند تا افرادی به عنوان اعضای هیئت‌مدیره انتخاب شوند که دارای قرابت متعاملی با رئیس یا بنیانگذار شرکت و اعضای خانواده‌ی او باشند تا از این طریق نفوذ خود را بر تصمیم‌های شرکت حفظ نمایند. لذا معمولاً در چنین شرایطی احتمالاً سطح استقلال هیئت‌مدیره در تصمیم‌گیری‌های شرکت کاهش می‌یابد و همانطور که نتیجه‌ی پژوهش نشان داد، احتمال دو پیامدِ تخصیص پاداش مدیران و افزایش عدم‌تقارن اطلاعاتی بیش از پیش محتمل می‌گردد.

براین اساس همانطور که ساختارهای حاکمیتی کادیلوئیسم تشریح می‌نماید، اداره‌ی امور براساس حضور افرادی صورت می‌گیرد که اِلزاماً تخصصی در عرصه‌ی مدیریتی یا اتخاذ تصمیم‌های اثربخش ندارند و باعث می‌گردند تا منافع صاحبان قدرت در برابر منافع سایر ذینفعان نقض نشود. لذا ساختار هژمونیک در شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی از طریق بیشتر بودن اعضای غیرموظف به کل اعضای هیئت‌مدیره می‌تواند به دلیل کاهش استقلال در آن، زمینه‌ی لازم را برای تعارض منافع بین شرکت‌ها با سهامداران را ایجاد نمایند و منافع سهامداران خُرد تضییع شود. اگرچه پژوهشی در گذشته به بررسی موضوعی با ماهیت موضوع حاضر صورت نگرفته است، اما نتیجه کسب‌شده را می‌توان از منظر تئوری‌ها با پژوهش‌های جامیل و همکاران (۲۰۲۱)؛ راماسوامی (۲۰۱۹)؛ ساکاوا و واتَنابال (۲۰۱۹) و کاپوتو و همکاران (۲۰۱۸) مشابه تلقی نمود.

براساس نتیجه کسب‌شده پیشنهاد می‌شود، سیاستگذاران و تدوین‌کنندگان آیین‌نامه‌ها و قوانین بازار بورس اوراق بهادار تهران، در راستای حفاظت از منافع و حقوق سهامداران اقلیت، می‌بایست نظارت‌های فراگیرتری را با ایجاد اِلزام نهادی بر رویه‌های حاکمیت شرکتی به ویژه در شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی اِعمال کنند تا مانع از ترویجِ هژمونی‌گرایی قدرت در ساختارهای اداره‌ی شرکت گردند. در واقع فقدان الزامات لازم در دستورالعمل‌ها یا تدوین اساسنامه‌های شرکت‌ها مبنی بر انتصاب هیئت‌مدیره و مدیران عامل شرکت از یکسو و فقدان رویه‌های مشخص در دوره‌ی تصدی مدیران و ارکان شرکت از سویی دیگر می‌تواند در بلندمدت به تحریف و تضییع حقوق ذینفعان منجر شود.

منابع

* بادآور، یونس.، نظاری، فیروز.، دهقان، رقیه. (۱۳۹۸). ارتباط هزینه های نمایندگی و سلب منافع سهامداران اقلیت با تاکید بر نقش کیفیت گزارشگری مالی، نشریه حسابداری و منافع اجتماعی، ۹(۲): ۱-۲۴.
* بخردی‌نسب، وحید.، ژولانژاد، فاطمه.، رحمانی، حسام. (۱۳۹۹). واکنش سرمایه‌گذاران به حمایت در برابر تضاد منافع طی دوره رکود اقتصادی، توسعه و سرمایه، ۵(۲): ۲۱۱-۲۳۰.
* حسنی، محمد.، صالحی، آزاده. (۱۳۹۹). ارزیابی تحلیلی آثار روابط سیاسی مالکیت-مدیریت و نظارت حسابرسان مبتنی بر انگیزۀ شهرت در کاهش هزینه‌های نمایندگی ناشی از تضاد منافع، پژوهش های حسابداری مالی، ۱۲(۳): ۱-۲۲.
* شریفی، سمیه.، واعظ، سیدعلی.، بصیرت، مهدی. (۱۴۰۰). توسعه پارادایم حسابداری قضایی در نوسان‌پذیری سطحِ حفاظت از منافعِ سهامداران در بین شرکت‌ها: تحلیلی مبتنی بر آزمون نظریه ثرندایک، حسابداری مدیریت، ۱۴(۴۸): ۶۹-۸۶.

www.SID.ir

Archive of SID

* صادقیان‌ندوشن، مهرداد.، باقری، محمود. (۱۳۹۵). تعارض منافع ذی‌نفعان شرکت‌ها و راهکارهای حل آن، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۰(۳): ۱۳۶-۱۶۳
* طاهری، ماندانا.، امینی، یاسین. (۱۳۹۹). نقش حاکمیت شرکتی و رعایت حقوق ذی‌نفعان در بانکداری اسلامی، تحقیقات مالی اسلامی، ۱۰(۱): ۱-۳۸
* عرب‌کیاسری، محسن.، عبدی، سامان. (۱۳۹۴). طراحی و تحلیل بازی استراتژیک مدیرـسهامدار: به‌کارگیری نظریه‌های بازی، مدیریت سود و حاکمیت شرکتی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۲(۲): ۲۲۱-۲۴۲.
* قادرزاده، کریم.، علوی، سید مصطفی. (۱۴۰۰). اجتناب مالیاتی: مسئولیت اجتماعی و نقش تعدیل‌گر مالکیت خانوادگی، مجله دانش حسابداری، ۱۲(۳): ۱۱۱-۱۲۸
* نوابی‌مقدم، زینب.، زارع، علی.، یوسفی‌صادقلو، احمد.، جمالی، جعفر. (۱۴۰۰). بررسی تعارض منافع سهامداران بانک با رویکرد حاکمیت شرکتی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۴(۹۶): ۳۶۰-۳۸۷

* *Astrachan, C, B., Astrachan, J, H., Kotlar, J., Michiels, A. (2021). Addressing the theory-practice divide in family business research: The case of shareholder agreements, Journal of Family Business Strategy, 12(1): 212-239. https://doi.org/10.1016/j.jfbs.2020.100395*
* *Baek, H.Y., Cho, D.D. and Fazio, P.L. (2016). Family ownership, control and corporate capital structure: An examination of small capitalization public firms, Journal of Family Business Management, 6(2): 169-185. https://doi.org/10.1108/JFBM-02-2015-0006*
* *Belic, J., Miklosi, Z. (2020). Cosmopolitanism and unipolarity: the theory of hegemonic transition, Critical Review of International Social and Political Philosophy, https://doi.org/10.1080/13698230.2020.1766815*
* *Bigoni, M. (2021). Accounting for hegemony. Fascist ideology and the shifting roles of accounting at the University of Ferrara and the Alla Scala Opera House, Accounting History, https://doi.org/10.1177/10323732211009517*
* *Caputo, A., Marzi, G., Pellegrini, M.M. and Rialti, R. (2018). Conflict management in family businesses: A bibliometric analysis and systematic literature review, International Journal of Conflict Management, 29(4): 519-542. https://doi.org/10.1108/IJCMA-02-2018-0027*
* *Chithambaranathan, P., Subramanian, N. and Palaniappan, P.K. (2015). An innovative framework for performance analysis of members of supply chains, Benchmarking: An International Journal, 22(2): 309-334*
* *Chrbel, S., Elie, B., Georges, S. (2013). Impact of family involvement in ownership management and direction on financial performance of the Lebanese firms, International Strategic Management Review, 1(1/2): 30-41 https://doi.org/10.1016/j.ism.2013.08.003*
* *Derluguian, G. and Earle, T. (2010). Strong chieftaincies out of weak states, or elemental power unbound", Berg Harpviken, K. (Ed.) Troubled Regions and Failing States: The Clustering and Contagion of Armed Conflicts (Comparative Social Research, Vol. 27), Emerald Group Publishing Limited, Bingley, 51-76. https://doi.org/10.1108/S0195-6310(2010)0000027006*
* *Hopewell, K. (2021). Strategic Narratives in Global Trade Politics: American Hegemony, Free Trade, and the Hidden Hand of the State, The Chinese Journal of International Politics, 14(1): 56-86. https://doi.org/10.1093/cjip/poaa020*
* *Iqbal, A., Zhang, X., Tauni, M.Z. and Jebran, K. (2020). Principal–principal agency conflicts, product market competition and corporate payout policy in China, Journal of Asia Business Studies, 14(3): 265-279. https://doi.org/10.1108/JABS-02-2018-0038*
* *Jamel, L., Albogami, H.E., Abdulaal, M.A. and Aljohani, N.A. (2021). Do agency conflicts between managers and shareholders affect corporate risk management and financial performance of Saudi firms?, Journal of Investment Compliance, 22(1): 58-73. https://doi.org/10.1108/JOIC-11-2020-0044*
* *Jong, L. and Ho, P.-L. (2020). Family directors, independent directors, remuneration committee and executive remuneration in Malaysian listed family firms, Asian Review of Accounting, 28(1):*

www.SID.ir

Archive of SID

https://doi.org/10.1177/0894486519893223

* Ramaswamy, V. (2019). Director interlocks and cross-cultural impact on strategies affecting shareholder–creditor conflicts: A conceptual analysis, Management Decision, 57(10): 2693-2713. https://doi.org/10.1108/MD-10-2017-0956
* Saaty, T. L. (1990). How to make decision: the analytical decision process, European Journal of Operational Research, 48(1): 9-26
* Sakawa, H. and Watanabel, N. (2019). Family control and ownership monitoring in Stakeholder-oriented corporate governance, Management Decision, 57(7): 1712-1728. https://doi.org/10.1108/MD-04-2018-0480
* Setiawan, D., Bandi, B., Kee Phua, L. and Trinugroho, I. (2016). Ownership structure and dividend policy in Indonesia, Journal of Asia Business Studies, 10(3): 230-252. https://doi.org/10.1108/JABS-05-2015-0053
* Sushil (2009). Interpretive ranking process, Global Journal of Flexible Systems Management, 10(4): 1-10.
* Sushil (2017[a]), "Multi- criteria valuation of flexibility initiatives using integrated TISM–IRP with a big data framework, Production Planning & Control, 28(11/12): 999-1010
* Tapaninaho, R., Kujala, J. (2019). Reviewing the Stakeholder Value Creation Literature: Towards a Sustainability Approach, https://doi.org/10.1007/978-3-030-03562-4_1
* Trebing, H, M., Goldstene, P, N. (1990). Corporate Hegemony, Journal of Economic Issues, 24(4): 1147-1155. https://doi.org/10.1080/00213624.1990.11505109
* Vallas, S, P. (2003). The Adventures of Managerial Hegemony: Teamwork, Ideology, and Worker Resistance, Social Problems, 50(2): 204-225. https://doi.org/10.1525/sp.2003.50.2.204
* Zhou, L. (2014). Social responsibility and employees' organizational identification in Chinese family firms: Influence of family ownership and family commitment, Chinese Management Studies, 8(4): 683-703. https://doi.org/10.1108/CMS-11-2012-0159
* Zimmermann, E. (2020). Caudillos, democracy, and constitutionalism in mid nineteenth-century Argentina, Journal of Iberian and Latin American Studies, 26(2): 1800-1870.

24-47. https://doi.org/10.1108/ARA-04-2019-0099
* Jong, L., Ho, P, L., Elliott, C. (2018). Inside the family firms: The impact of family and institutional ownership on executive remuneration, Cogent Economics & Finance, 6(1): 107-129. https://doi.org/10.1080/23322039.2018.1432095
* Lee, Y. (2022). The Impact of Corporate Governance Mechanisms on the Commitment of Managers in an IPO Setting: Evidence from Korean Small and Venture Firms, Sustainability, 14(1): 730-764. https://doi.org/10.3390\su14020730
* Liew, C.Y. and Devi, S.S. (2021). Family firms, banks and firm value: Evidence from Malaysia, Journal of Family Business Management, 11(1): 51-85. https://doi.org/10.1108/JFBM-03-2019-0015
* Liu, M., Tsai, K, S. (2021). Structural Power, Hegemony, and State Capitalism: Limits to China's Global Economic Power, Politics & Society, 49(2): 88-103. https://doi.org/10.1177/0032329220950234
* Lyytinen, K., Maaranen, P., Knuuttila, J. (1993). Unusual Business or Business as Usual: An Investigation of Meeting Support Requirements in Multilateral Diplomacy. Accounting, Management and Information Technologies, 3(2): 97–119.
* Mondal, A., Ray, S., Lahiri, S. (2022). Family ownership, family management, and multinationality: Evidence from India, Journal of Business Research, 138(1): 347-359. https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2021.09.017
* Ogbor, J.O. (2001). Critical theory and the hegemony of corporate culture, Journal of Organizational Change Management, 14(6): 590-608. https://doi.org/10.1108/09534810110408015
* Pascucci, F., Domenichelli, O., Peruffo, E. and Gregori, G.L. (2021). Family ownership and the export performance of SMEs: the moderating role of financial constraints and flexibility, Journal of Small Business and Enterprise Development, https://doi.org/10.1108/JSBED-03-2021-0113
* Qiu, H., Freel, M. (2020). Managing Family-Related Conflicts in Family Businesses: A Review and Research Agenda, Family Business Review,

www.SID.ir

Archive of SID

https://doi.org/10.1080/14701847.2020.1789378

www.SID.ir

Archive of SID

Journal of Management Accounting
Vol. 15, No.55, Winter 2022

Hegemonic Model of Stakeholders Interest Conflict o in Family-Owned Companies: The Theory of Caudilloism in Corporate Governance

Mohsen Sharififard[1]
Ahmad Kaabomeir*[2]
Ali Mahmoodi[3]
Fateme Mehrabani[4]

Abstract
Meeting stakeholder expectations is an integral part of governance structures, so the presence of effective functions in governance structures reduces the conflict of interest of external stakeholders with the company due to the existence of effective oversight. However, family ownership structures, as part of corporate governance, always face the premise that they may simply seek to meet the expectations of those in power in the corporate structure by ignoring the interests of other shareholders. Therefore, this study seeks to provide a hegemonic model of creating a conflict of interest between stakeholders in family-owned companies by developing the theory of Caudilloism. In this research, which is considered as a methodology of development and composition, an attempt was made to identify the components of the hegemonic structure of family-owned companies in terms of creating conflicts of interest with stakeholders, relying on meta-hybrid and Delphi analysis processes in the qualitative part of the research. Then, in a quantitative method, interpretive ranking analysis and Mick Mac used to identify the most influential component of the hegemonic structure of family-owned companies in terms of creating conflicts of interest with stakeholders. The statistical population in the qualitative section was 13 specialists and experts in the field of accounting at the university level, and in the small section benefited from the participation of 20 managers of family-owned companies in the capital market who had both knowledge and experience was taken. The basis for sample selection was the use of homogeneous method. The results of the research in the qualitative section, after screening the content of 10 approved studies, indicated the existence of seven components of the hegemonic structure of family-owned companies in terms of creating conflicts of interest with stakeholders. These components evaluated through Delphi analysis and the results of this section showed that all seven components analyzed individually. The results in the quantitative part of the research showed that from the total impact based on the pair scale between research components, the percentage of impact of the non-independence component of the board is higher than other components of hegemonic structure in family owned companies, which means to implement the approach. The hegemonic structure of family-owned companies at the level of capital market companies, the disclosure of information about the functions of the board of directors is more effective than other components.

---

[1] *PhD Student, Department of Accounting, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran*
[2] *PhD in Accounting, Department of Accounting, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran*
Ahmad-kaabomeir@iauahvaz.ac.ir
[3] *PhD in Accounting, Department of Accounting, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran*
[4] *PhD in Economics, Department of Economics, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran*

www.SID.ir

Archive of SID

Keywords: *The Power Hegemonic Structure; Stakeholders Interest Conflict; Caudilloism in Corporate Governance*

www.SID.ir